



پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۲۵۶

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگران

جمع بندی تعالیم دین

ابومالک: قَالَ: قُلْتُ لعلی بن الحسین(ع) أخبرنی بجمع شرایع الدین. بجمع شرایع الدین. قَالَ: قَول الحق، والحُکمُ بالعدل و الوفاء بالعهد. هذه جمیع شرایع الدین. ابومالک می گوید: به امام علی بن الحسین(ع) گفتم: مرا از مجموعه آیین های دین خدا آگاه کن. امام فرمود: (جمع بندی همه تعالیم دین خدا) حق گویی، دآوری طبق عدل و وفای به عهد است.

امام سجاده(ع)

عصر زندگی

محمداحکیمی

به نقل از: نور الثقلین، جلد ۲، صفحه ۷۹

پولی که مجاهدین خلق برای امام آوردند!

اقبل از انقلاب یکی از هواداران مجاهدین خلق به برازجان که در نیروگاه اتمی بوشهر کار می کرده، به بچه های سازمان در دانشستان خبر می دهد مقدار هنگفتی پول در صندوق نیروگاه موجود است. بچه ها هم لباس کارگران افغانی می پوشند و به آنجا می روند و شبانه گازصندوق نیروگاه را باز می کنند. آن گونه که خودشان بعدها برای من تعریف کردند، در گازصندوق ۳ میلیون تومان پول وجود داشته است. انقلاب که پیروز شد ۲ نفر از بچه های سازمان مجاهدین خلق از برازجان به قم رفتند. امام خمینی آن روزها مقیم قم بودند و رابطه سازمان با امام و حکومت هنوز به هم نخورده بود. در قم این ۳ نفر خدمت امام خمینی می رسیدند و آن ۳ میلیون تومان را تقدیم ایشان می کنند. امام می پرسند: «این پول از کجا آمده؟»

بچه ها هم عین واقعیت را به ایشان می گویند. امام خیلی ناراحت و برافروخته می شوند. با قهقر و تشر به آن نفر می فرمایند: «شما درد هستید. پول دزدی را آورده اید به من بدهید؟ شما را نصیحت می کنم بروید و این پول را از همان جایی که سرقت کرده اید به همان جابر گردانید. از بابت گناهی هم که مرتکب شده اید توبه کنید.»

سیدقاسم باحسینی

خاطرات ماشاءالله کازرونی

انتشارات سوره مهر

صفحات ۲۷۵ و ۲۷۶

فر جام تلخ یک سوء تفاهم

میان تختخواب و کاهه ایش یک تکه روزنامه کهنهای یافتم که به پارچه ای چسبیده بود. رنگ آن زرد و شفاف شده بود. واقعه سرگرم کننده ای را بیان می کرد که اولش افتاده بود، ولی می پایست در چکسلواکی اتفاق افتاده باشد. مردی برای ثروتمند شدن، از یک دهکده کوچک راه افتاده بود. بعد از ۲۵ سال، در حالی که متمول شده بود، با یک زن و یک بچه، بازگشته بود. مادر و خواهرش در دهکده ای که زادگاه او بود، مهمانخانه ای را اداره می کردند. برای غافلگیر کردن آنها، زن و بچه اش را در مهمانخانه دیگری گذاشته بود و خودش به مهمانخانه مادرش رفته بود. در آنجا کسی او را نمی شناخت. او برای خوشمزگی، به فکرش رسیده بود که اتافی در آنجا اجاره کند. پولش را به رخ آنها کشیده بود، مادر و خواهرش، برای به دست آوردن پول او، شبانه با چکش او را کشته بودند. صبح رزش در پی شوهرش آمده بود و بدون اینکه هویت مسافر را شناسایی کند، داستان را فهمیده بود. مادر پس از فهمیدن ماجرا خودش را دار زده بود و خواهر خود را به چاه افکنده بود.

این حکایت از یک جهت باورنکردنی بود، اما از جهت دیگر عادی و طبیعی جلوه می کرد. آری! من دریافتم که مرد مسافر کمی استحقاق این سرنوشت را داشت و البته فهمیدم که هرگز نباید شوخی بیجا کرد.

آلبر کامو

سوء تفاهم

جلال آل احمد

نشر جامی

موشک شیمیایی صدام به تهران!

آخرین موشکی که به تهران خورد و عمل نکرد، به نظرم همان موشکی بود که به شوش خورد. من اداره بودم که وضعیت قرمز شد. مدام داد می زدند: «شیمیایی-شیمیایی»

من از ساختمان ۵ طبقه نگاه می کردم. از دور یک قارچ سفید دیدم. سریع سوار شدیم و رفتیم. عراق ۲ تا موشک زده بود. یکی از موشک ها رویه روی کارخانه نان صنعتی وزارت دفاع بود. همه داشتند فرار می کردند. توی خود میدان یک آقای خیلی شیک گالات میستوبیسی نفتی رنگ سوار بود. کشت رو کرده بود توی آب های لجن اطراف میدان، بعد هم کت را کشیده بود روی سرش که شیمیایی اثر نکند. فکر می کنید ماجرای شیمیایی چه بود؟ موشک دقیقا خورده بود روی نانوائی سنگگی، آزدهای سفیدش روی هوا بود. همه فکر می کردند شیمیایی شده موشکی که می آمد تهران نمی توانست شیمیایی باشد.

مرتضی قاضی

حرف های

اخبارات جواد شریفی، معلم و سر تیم وقت خنثی سازی نیروی هوایی ارتش ا

انتشارات رسانه مهر

صفحه ۲۲۳

حضرت امیر المومنین(ع):

وقتی کسی پی برد که دوستش به چیزی نیازمند است باید قبل از درخواست نیاز او را بر طرف کند و او را وادار به سوال و درخواست نکند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، اقتصادی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۲۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۲۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۲۱۲۷
پيامرسان: vatanemrooz@ پست الكترونيك: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام جم پرتز برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰۰

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا شکیبایی
سر دبیر: سید عابدین نورالدینی



نقد و بررسی فیلم «کچ پيله» و دلایل شکست تجاری

آن به رغم ساختارشکنی های خبر ساز

مردنمایی و نامردی

شعبان نژاد، نعیمه نظام دوست، فرنوش نیک اندیش، واله داوودنژاد، رامین ناصر نصیر، یلدا عباسی و سعید نعمتی اشاره کرد. کچ پيله روايتگر زندگی یک بازیگر زن و معروف و پولدار است که از مردان نفرت دارد و با دسیسه یکی از نزدیکانش راننده خود را اخراج می کند تا اینکه یک حادثه غیرمنتظره زندگی او را دستخوش تغییر می کند.

در ادامه ابتدا به نقد و بررسی این فیلم پرداخته شده که با هزار بهانه غیرمنطقی می خواسته زن پوشی الناز شاکردوست را توجیه کند و گویا حتی اگر این کار با منطق روایی آن هم جور درمی آمد، قصد داشت برای خبرساز شدن فیلم، منطق روایی را قربانی کند. به عبارتی کچ پيله بیشتر از سینماها در اکسپلورر اینستاگرام دیده شد که چنین چیزی را نمی توان یک موفقیت تجاری به حساب آورد.

سپس به حضور تعدادی از بازیگران در این فیلم پرداخته شده که سوابق قابل توجه و احترام برانگیزی نداشته اند اما این انتخاب شان را می توان نقد کرد. کچ پيله در کارنامه هاتف علیمردانی یک کار افسوس برانگیز نیست؛ چه اینکه او پیش از این هم هیچ گاه کارگردان کاملاً موفق نبوده اما برای بعضی عوامل دیگر می توان حساب جداگانه ای باز کرد و از آنها توقعات بیشتری داشت.

سال بعد علیمردانی «ستاره بازی» را ساخت که بازگشتی به سینمای درام و اجتماعی بود و همچنان که در چند اثر اجتماعی پیشین این کارگردان هم موفقیتی حاصل نشده بود، این بار هم اتفاق خاصی نیفتاد. شکست در چند ژانر و گونه مختلف که همه با صرف هزینه های بسیار و تلاش های فراوان ساخته شده بودند به مدت ۵ سال باعث شد هاتف علیمردانی فیلمی نسازد اما او این بار با «کچ پيله» برگشت که تمام توش و توان خودش را برای خبرساز شدن و به اصطلاح بفروش از آب درآمدن آن گذاشته بود. این هم البته به دلایل متعددی از آن نوع تلاش هایی به نظر می رسید که نهایتاً منجر به شکست خواهند شد. کچ پيله به کارگردانی، نویسندگی و تهیه کنندگی هاتف علیمردانی اکنون در سینماهای تهران و شهرستان ها در حال اکران است.

این فیلم با اینکه به دلیل بعضی مسائل عقیدتی در بعضی شهرستان ها اکران نشده اما با این حال موفق شده در همین مدت، حدود ۲۲ میلیارد تومان فروش داشته باشد. در ابتدای اکران رتبه نخست فروش هفتگی را به خود اختصاص داده بود اما در ادامه حتی نسبت به فروش های عامه پسند این روزها هم در سطح بسیار پایین تری از فروش قرار گرفت. از بازیگران این فیلم می توان به الناز شاکردوست، سروش صحت، نیما

رستوران بوده و... تمام این نقل خاطره ها به لحاظ متریکی از چند دقیقه تجاوز نمی کرد اما عکس ها و ویدئوهای تبلیغاتی دقیقاً روی همان ها تمرکز کرده بود و تلاش می شد به نظر برسد با فیلمی طرفیم که در چند نقطه دنیا با سرنوشت های بسیار متفاوت و هیجان انگیز شخصیتش روایت می شود. به عبارت ساده و سراسر، انگار از ابتدا فیلم را طوری ساخته بودند که پوستر و تیزرهای خوبی از آن بیرون بیاید و خبرساز شود اما مخاطبان فریب این بازی ها را نخوردند و فروش آن فیلم چندان خیره کننده نبود. با این حال چنین بازی هایی در سینمای ایران هنوز تمام نشده و خیلی ها همچنان دنبال ساختن فیلمی هستند که به جای جذاب و سرگرم کننده بودن، می خواهد خبرساز شود؛ مثلاً خبر مردنمایی یک بازیگر زن...

هاتف علیمردانی سال ۱۳۸۸ وارد سینمای حرفه ای شد. او کارش را با «راز دشت تاران» و «یک فراری از بگیو» که ویژه کودکان و نوجوان بود آغاز کرد و از ۱۳۹۱ با «به خاطر پونه» به سینمای اجتماعی آمد. بعد «مردن به وقت شهرپور»، «کوچه بی نام»، «۷ ماهگی» و «آباجان» تا سال ۱۳۹۵ سایر فیلم های اجتماعی او بودند. او در سال ۹۷ برای نخستین بار خودش را در سینمای کمدی و تجاری با «کلمبوس» آزمود و البته نتوانست به موفقیت چندانی دست یابد.

شرحه شرحه

کند تا اجرا دقیق تر دربیاید. آیا این حرکت برای چیزی غیر از این است که جنبه تبلیغاتی اثر در رسانه ها برجسته شود؟ می گویند این کار انجام شده تا صحنه های ابراز محبت میان زن و شوهر به راحتی و بدون اعمال ممیزی صورت بگیرد اما نکته اینجاست که اگر این حرکت انجام نمی شد لطمه ای به این فیلم ظریف و شکستنی وارد نمی شد و به قوت خود در راه باطلش باز هم قدم می گذاشت.

در ادامه ما با پوستر و تیزر فیلم روبه رو هستیم که به سادگی یادآور آثار کمدی معروف به شانه تخم مرغی است که حتی به لحاظ کیفی سطح پایین تری از فیلمفارسی ها داشتند و این ناهمگونی میان طنز با ژست دغدغه اجتماعی داشتن در همه ابعاد خود را به نمایش می گذارد.

چیزی که کچ پيله بیشتر از همه از آن رنج می برد، چند پاره بودن و به هر سو رفتن است. از طرفی به نظر می رسد ما با یک کمدی سطح پایین روبه رو باشیم که با گذشت بخشی از اثر متوجه می شویم بخش دوم حدس مان یعنی فقط سطح پایین بودن درست بوده و فیلم حتی نمی تواند موقعیت های طنز دست چندم به وجود بیاورد. از سوی دیگر فیلم ژست نقد اجتماعی با خود می گیرد و می خواهد به عنوان مصلح اجتماعی نظرش را به مخاطبی که تمرکزش بیشتر روی زنان

ایده زن پوش بودن بازیگران مرد چیزی بود که در ابتدا می توانست جنجالی باشد و مردم را به سینما بکشاند اما این حرکت به تدریج رنگ باخت و دیگر برای مردم جذابیتی ندارد. حالا چیزی که هنوز در سینمای ایران کمتر امتحان شده و احتمال آن می رفت که بتواند برای مخاطب جالب باشد و به نوعی جنبه تبلیغاتی اثر را به دوش بکشد، مردنما بودن یک بازیگر زن است. این موضوع در فضای مجازی هم تا حدودی کار خودش را کرد و توانست فیلم درباره زنی است که به مردان نگاه بدی دارد و در نهایت خودش در برهه ای به یک مرد تبدیل می شود تا به این شکل بتواند مصائب زندگی یک مرد، آن هم از طبقه نسبتاً فرودست جامعه را بپشد. با صرف نظر از اینکه ایدا در فیلم، علت مشخصی نه در روایت و نه به واسطه اتمسفر ژانری برای تبدیل شدن یک زن به مرد وجود ندارد؛ مردنما شدن الناز شاکردوست قابل درک است.

اما ماجرا آنجایی غیر اصولی به نظر می رسد که نسخه مردانه خانم شاکردوست شباهت زیادی به وحید رهبانی و هوتن شکیبا دارد. کارگردان می توانست با حفظ ظاهر نسخه گرم شده شخصیت اصلی برای بخش مردانه کار از بازیگران مرد استفاده

سروش صحت که موفق شد در تلویزیون با آثار مهم و سرگرم کننده اش از خود نام نیکویی در ذهن ها و خاطره های عمومی حک کند، حالا بسیاری از اوقات نشان می دهد در انتخاب پروژه دچار خطاست. با اینکه صحت در زمینه های مختلف فعالیت کرده اما حقیقت این است که عمده ظرفیت و استعداد او در کارگردانی و فیلمنامه نویسی است. برای مثال حتی اگر یک درصد او خودش گمان می کرد بازیگر خوبی است، تاکنون

ادامه از صفحه اول

معمطمه له در این دیدار یک موضوع مهم دیگر را هم روشن کردند که در راستای تبیین دلیل واقعی دشمنی ملت ایران با آمریکا است. ایشان به یک سوال پرسامد درباره امکان تمام شدن اختلافات ایران و آمریکا پاسخی هوشمندانه دادند



نگاه

و می زند؟ در کچ پيله هم وضعیت همانطور است. وجود بخش آنتاگونیست و شرور فیلم هم به درستی تبیین نمی شود و اساساً معلوم نیست آن زنی که قصد دزدی دارد چرا آنقدر در نقشه اش مصمم است، چطور شد با شخصیتی که شعبان نژاد ایفاگر نقشی است قصد همکاری پیدا کرده و خیلی از سوالات دیگر هم بی پاسخ می ماند و مخاطب در کلافی از این سوالات معلق رها می شود. آنقدر خشت های ابتدایی روایت سست و بی فکر چیده شده که وقتی نوبت به پایان بندی هم رسید، دست فیلمنامه نویس در روایت یک پایان قوام یافته خالی می شود و می خواهد با یک نریشن و پانایی که یادآور اصطلاح «قصه ما به سر رسید کلاغه به خونهش نرسید» است سر و ته ماجرا را به زور به هم برساند.

فارغ از منظاهر بودن به بیان یک دیدگاه اجتماعی، روایت اثر در پی آن است با به کارگیری و سوار شدن بر نام شکسپیر بزرگ، یک رخ فرهنگی- ادبی هم به خود بگیرد. استفاده از نمایشنامه رومئو و ژولیت برای بازگشت و پوست اندازی شخصیت اصلی به هیچ وجه عمیق ظاهر نمی شود، چرا که وقتی ما میدل گشتن او به شماایل مردانه را می بینیم، اساساً با یک تبلیغ مضحک روبه رو هستیم و حالا برگشتن او به حالت زنانه قبلی اش با این فضا ناهمگون است.

یک بازیگر جدی تغییر دهد. اگرچه شاکردوست پس از مدتی حضور در سینمای تجاری، با انتخاب های دقیق تر توانست نامش را معتبرتر کند و در ادامه هم برای حفظ این اعتبار کوشید اما در حال حاضر شاهد آن هستیم که او با بازی در کارهایی نظیر «گوزن های اتوبان» و «کچ پيله» گویی به تنظیمات کارخانه برگشته و دقت در انتخاب پروژه ها دیگر چندان برایش اهمیت ندارد.

شرطی که ذات استکباری آمریکا مانع تحقق شان است و اگر روزی محقق شود، نشانه مهمی از سقوط هویت استکباری آمریکا و از بین رفتن عامل اصلی دشمنی ملت ایران و تمام ملت های آزاد جهان با آن است. پاسخ صریح و روشن و در عین حال ساده رهبر معظم انقلاب خلاصه کل مبانی و منطق سیاست های انقلاب اسلامی در قبال دشمنانش است.

@vatanemrooz

در شبکه های اجتماعی